

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۸۹، صفحات ۱۲۸-۱۰۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۱/۲۵

تحولات نوین آموزشی در دوره قاجار و تأثیر آن بر روند مدرسه‌سازی در بوشهر

عبدالکریم مشایخی^۱

چکیده

در دوره قاجار بندر بوشهر در کرانه شمالی خلیج فارس معتبرترین بندر تجاری و دروازه جنوبی ورود تمدن مغرب زمین به شمار می‌رفت.

به دنبال تحولات فرهنگی دوره ناصری و مظفری با رشد شتابان مدرسه‌سازی جدید که با همت مردانی چون میرزا حسن رشیدی همراه بود در بندر بوشهر هم با تلاش احمدخان دریابیگی حکمران بنادر خلیج فارس و با همکاری برادران سعادت مدرسه‌ای جدید در سال ۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۲۷۸ ه.ش. تأسیس شد که به دلیل خدمات فرهنگی و نقش معلمان و دانش‌آموزان این مدرسه در افتتاح مدارس جدید در جنوب ایران این مدرسه به لقب «مادر مدارس جنوب ایران» مشهور شده است.

مقاله حاضر نگاهی به روند شکل‌گیری این مؤسسه آموزشی جدید و تحولات فرهنگی آن از آغاز تأسیس تا پایان سلطنت پهلوی اول دارد.

کلید واژه‌ها: مدرسه سعادت مظفری بوشهر، حکمران کل بنادر خلیج فارس، مدرسه‌سازی جدید، مکتب کلاسیک آموزشی، تحولات نوین آموزشی.

مقدمه

بندر بوشهر در کنار خلیج فیروزه‌گون فارس از موقعیت ویژه و ارزشمندی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی و اهمیت استراتژیک آن همگام با مزایای اقتصادی و خصوصیات اقلیمی سبب گردیده تا از دوران زمامداری نادرشاه افشار که بوشهر جدید تأسیس گردید، مورد توجه دول و ملل قدرتمند اروپایی و غیراروپایی قرار گیرد. کمپانی‌ها و بنگاه‌های تجاری و مؤسسات و نمایندگی‌های اقتصادی یکی بعد از دیگری به این بندر روی آورده و بازرگانان داخلی نیز از شهرهای اصفهان، شیراز، همدان، کازرون و شهرهای دیگر، بوشهر را بستر مناسبی برای کارهای صادراتی و وارداتی تشخیص داده به این بندر مهاجرت کردند. چند بنگاه تجاری و شرکت خارجی نظیر بنگاه «دکسن و شرکا»، «گری مکنزی»، «زگلر و شرکا» و «رابرت وانکهوس» و دیگر نمایندگی‌های انگلیسی، روسی، آلمانی، فرانسوی و بازرگانان هندی و عرب در بوشهر به فعالیت پرداخته، همچنین نمایندگان کشتیرانی «انگلوالجرایا»، «وست بارلیپول»، «آندویر کمپانی»، «همبرگ آمریکن لاین»، «هنسالیین» و نمایندگان کشتیرانی روسی، فرانسوی، ایتالیایی و سایر ملل در بوشهر استقرار یافته، در نتیجه امور بازرگانی و کارهای اقتصادی رونقی بسزا یافته، آن گونه که طبق اسناد موجود، به ویژه در دوره قاجار عایدات گمرک بوشهر چند برابر بیش از عایدات دیگر بنادر ایران گردید (نوری‌زاده بوشهری، ۱۳۲۵: ۸۰).

در آن روزگار، بوشهر از نظر سیاسی - نظامی نیز مطمح نظر و مورد توجه دول استعمارگر غرب و شرق قرار گرفت. چنان که بعد از خروج پرتغالی‌ها از عمان، بحرین، بندرعباس، جزیره هرمز و دیگر بنادر و جزایر خلیج فارس، بلافاصله هلندی‌ها و انگلیسی‌ها جایگزین پرتغالی‌ها شدند و جزیره خارگ و بندر بوشهر پایگاه مستحکم آنها گردید.

کشورهای سوداگر غربی و شرقی، با درک موقعیت استراتژیک خلیج فارس و با توجه به حساسیت بوشهر از دیدگاه سیاسی - نظامی در استقرار دفاتر نمایندگی و تأسیس کنسولگری در این بندر با هم به رقابت و چالش پرداخته، دولت‌های بزرگ آن روزگار همچون روسیه،

انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، عثمانی، هند و نروژ در راستای تأمین منافع سیاسی - اقتصادی خود، نمایندگی‌های سیاسی ایجاد کردند.

روابط اقتصادی - سیاسی و حضور دیپلمات‌ها و سوداگران خارجی و ارتباط تجار بوشهر با کشورهای خارجی در امر صادرات و واردات و مسائلی از این گونه، مستلزم مهاجرت و مسافرت و آموشد مردم با خارج از کشور و آشنایی آنان با مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان و آگاه شدن از تحولات فکری و علمی دنیای غرب بود. ورود و استقرار خارجیان در بوشهر و مراودات مردم با آنها قطعاً در استقبال آنها از مظاهر تمدن غرب نقشی بالنده داشت. در نتیجه همین آمیزش بود، که جمعی از متمکنین از تجار بوشهری فرزندان خود را برای تحصیل به بعضی از کشورهای اروپایی و هندوستان اعزام داشتند.

تحولات فکری، زمینه‌ساز پذیرش تعلیم و تحصیل به شیوه نوین و غیرمکتبی در میان عموم مردم بوشهر گردیده تا آنجا که جمعی از فرزندان معارف‌پرور و تجار بیدار علاقه‌مند به دانش را به فکر انداخت تا مدرسه‌ای به سبک جدید و به سبک و سیاق مدرسه دارالفنون و مدارس رشدیه در تهران، در شهر بندری بوشهر نیز تأسیس نمایند.

آگاهی توأم با اقدام مرحوم احمدخان دریاییگی حکمران بنادر و جزایر خلیج فارس و همگامی و مساعدت‌های مالی بعضی از بازرگانان و دیگر اصناف بوشهری نیز راهگشای تأسیس مدرسه‌ای شد، که نام «مدرسه سعادت مظفری بوشهر» یافت و همان گونه که از اسناد و مدارک موجود برمی‌آید، تأسیس این مدرسه در سال ۱۳۱۷ هجری قمری با استقبال بی‌نظیر عامه مردم و به ویژه اقشار فقیر و کم درآمد روبه‌رو شد.

دوره ناصری و تأسیس مدارس جدید در ایران

دوران کوتاه حکومت‌های افشاریه و زندیه که می‌توان آن را برزخی بین دولت‌های صفویه و قاجاریه به‌شمار آورد، بیشتر به کشمکش و زدوخورد و جنگ‌های داخلی و خارجی گذشت،

در حالی که به نوشته مرحوم علی‌اصغر شمیم در آن دوران جمود فکری و ایستایی علمی بر جامعه ایران حاکم بود (شمیم، ۱۳۷۰: ۳۹۶).

پس از روی کار آمدن قاجاریه و به ویژه از زمان پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار در نتیجه آشنایی مردم ایران با مظاهر تمدن غربی و تلاش‌های میرزاتقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) طبقه جوان ایران با علوم عقلی آشنا شده، و با تأسیس مدرسه دارالفنون، گام نخست در راه کسب تمدن جدید اروپا و تأسیس مدارس جدید در ایران برداشته شد.

دارالفنون اولین مدرسه جدیدی بود، که در ایران با هزینه دولت تأسیس گردید. بنای مدرسه در زمان صدارت امیرکبیر و با پیشنهاد و به همت او در سال ۱۲۶۶ ق.ه. آغاز شد و در اواخر سال ۱۲۶۷ ق.ه. به پایان رسید.

هنگام افتتاح این مدرسه، امیر کبیر از صدارت عزل شده بود؛ در نتیجه در ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸ ه. ناصرالدین شاه شخصاً مدرسه دارالفنون را با هفت نفر معلم اتریشی و چند مترجم (که از میان دانشجویان اعزامی سال ۱۲۶۰ ق.ه. انتخاب شده بودند) و در حدود ۱۵۰ نفر محصل که ۱۴ تا ۱۶ ساله بودند، افتتاح کردند.

در این مدرسه رشته‌های مختلفی از جمله طب، داروسازی، ریاضی، جغرافیا، زبان‌های خارجی و تعلیمات نظامی تدریس می‌شد. مدرسه دارالفنون از عوامل مهم تجدّد و تحوّل در ایران به شمار می‌رود، و در ظرف چهار سال متجاوز از ۱۱۰۰ نفر از آن مدرسه فارغ‌التحصیل شدند، که بعضی از آنها خدمات ارزشمندی در راه تحوّل و ترقی مملکت به منصفه ظهور رساندند (صدیق، ۱۳۵۲: ۱۷۵).

علی‌رغم اصراری که امیرکبیر در انتخاب معلمین غیرانگلیسی و غیرروسی کرده بود، بعدها معلمین از همه کشورهای به این مرکز آموزشی راه یافتند و منشأ وابستگی فکری محصلین و خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب شدند.

مدرسه دارالفنون ایران اگر چه هم‌تراز با دارالفنون وین بنیان‌گذاری شده بود، اما این مدرسه به فرزندان اعیان و اشراف اختصاص یافت، و آموزش‌های لازم در مراحل متوسطه و

عالی بود، فرزندان طبقات فرودین اجتماع از تحصیل در آن مدرسه محروم و امکان استفاده از دارالفنون را نداشتند (رشدیه، ۱۳۶۲: ۱۲).

در سال ۱۲۹۸ ه.ق. مرحوم «میرزا حسن رشدیه» فرزند مرحوم آخوند ملامهدی تبریزی که از چهره‌های منورالفکر دوره قاجار به‌شمار می‌رفت، با شناختی که از همه عیب‌ها و نواقص اصول تعلیم کلاسیک (مکتبی) پیدا کرده بود، هنگامی که در یکی از شماره‌های روزنامه ثریا خوانده بود، که در اروپا از هر صد نفر یک نفر بی‌سواد است، درحالی که در ایران از هر هزار نفر یک نفر باسواد، این نقیصه بزرگ را از بدی اصول تعلیم دانسته و برای رفع این نقیصه تلاش کردند تا به بیروت سفر کرده، و در مدرسه‌ای که اروپاییان در آن شهر تأسیس کرده بودند، به تحصیل پرداخته، و با روش‌های جدید آموزشی اروپا آشنا و برای اصلاح تعلیم و تربیت در ایران گامی اساسی بردارد.

رشدیه از سال ۱۲۹۸ ه.ق. در یکی از مدارس بیروت زیر نظر معلمان تربیت‌یافته فرانسوی به فراگیری اصول تعلیم و آشنایی با تعلیمات جدید اقدام و پس از دو سال تحصیل جهت تأسیس مدرسه‌ای در ایران در سال ۱۳۰۰ ه.ق. بیروت را به عزم ایران ترک گفت (رشدیه، ۱۳۶۲: ۱۹).

در سال ۱۳۰۰ ه.ق. مرحوم «میرزا حسن رشدیه» اولین مدرسه جدید ایرانی در ایروان تأسیس کرد که این مدرسه به مدت ۵ سال در آنجا دایر بود. اما همان‌گونه که رشدیه در کتاب «سوانح عمر» می‌نویسد:

«در اواخر سال چهارم از عمر مدرسه بود، که ناصرالدین‌شاه از سفر دوم فرنگستان مراجعت کرده و پس از انجام دادن مهمانی هیجده روزه روسیه، عازم ایران می‌شود. در اوچ کلیسای ایروان، مهمان پاپ اعظم ارامنه بود، چون محل مدرسه رشدیه داخل جلوخانی در خط سیر پادشاه ایران بود، رشدیه اولیای اطفال را می‌بیند و تقاضا می‌کند جلوخان را با قالی و قالیچه و شال‌های ایرانی تزئین کرده، یک طاق زیبایی در مدخل جلوخان مزین به قالیچه و ترمه زده، در بالای آن عکس ناصرالدین‌شاه را گذاشته و طرفینش پرچم ایران به اهتزاز درآورند.»

ناصرالدین‌شاه از مدرسه دیدن کرده، و شاگردان نیز با خواندن سرود مقدم همایونی را گرامی می‌دارند. رشديه در ملاقات با شاه به دليل بی‌تجربگی و جوانی، منافع مدرسه را هر چه مفصل‌تر و بهتر شرح داده و شاه زیرک نیز به دقت گوش می‌دهد.

بعد از مراجعت شاه به تهران که رشديه را هم به اجبار با خود همراه کرده بود، رشديه مرخص شده به ایروان برگشته، اما مدرسه منحل، ائاثیه توقیف، در مدرسه به مهر کارگزار ایران مهر و موم شده بود و در نتیجه رشديه ناچار شده به ایران مراجعت می‌نماید» (رشديه، ۱۳۶۲: ۲۵).

تأسیس مدرسه رشديه در تبریز

بعد از وقایع ناگواری که به فرمان ناصرالدین شاه در ایروان بر رشديه گذشت، در سال ۱۳۰۵ ه.ق. رشديه که هیچ خیالی جز تأسیس مدرسه در نظرش جلوه‌ای نداشت، اولین مدرسه جدید را در محله خیابانی تبریز به نام «مدرسه رشديه» تأسیس می‌نماید.

پایان سال تحصیلی، امتحان در حضور اعیان و بزرگان و علمای تبریز با شکوه خاصی برگزار شدن و توجه بسیاری از مردم را به خود جلب می‌نماید، اما اندکی بعد مدرسه تعطیل و رشديه را تکفیر و مه‌دورالدم می‌نمایند.

رشديه شب هنگام به مشهد فرار و پس از شش ماه به تبریز مراجعت کرده و مجدداً مدرسه را بازگشایی می‌نماید. بار دیگر مدرسه منحل شده، اما رشديه با مقاومت و سرسختی بعد از پنج بار تعطیلی سرانجام مدرسه را با حمایت میرزا علی‌خان امین‌الدوله که در آن زمان در تبریز کارگزار آذربایجان بود، مجدداً دایر و چون در سال ۱۳۱۵ ه.ق. امین‌الدوله به صدر اعظمی ناصرالدین شاه منصوب می‌شود، از رشديه دعوت کرده تا به تهران بیاید و اولین مدرسه جدید ابتدایی را در پایتخت تأسیس نماید (رشديه، ۱۳۶۲: ۳۵).

میرزا علی خان امین‌الدوله پشتیبان مدارس جدید ملی در ایران

میرزا علی‌خان امین‌الدوله فرزند مجدالملک در سال ۱۲۶۰ ه.ق. در تهران متولد شد. او دارای

معلومات قدیم و جدید بوده، و به تاریخ جهان آشنایی کامل داشت، و از برجسته‌ترین و مترقی‌ترین وزرای دوره ناصری به شمار می‌رود. امین‌الدوله فردی معارف‌پرور بود و به افکار نوین آشنایی کامل داشت. از خدمات برجسته دوران وزارتش تأسیس اداره پست به سبک جدید بود.

در دوران صدارت امین‌الدوله مردم ایران از آزادی بیشتری برخوردار شدند، و روزنه‌امیدی در دل اصلاح‌طلبان پدید آمد. تأسیس مدارس جدید که تا آن زمان در ایران ممنوع بود، در دوره صدارت او عملی شد. همان‌گونه که نوشتیم در زمان کارگزاری آذربایجان به حمایت از میرزا حسن رشديه پرداخت، و چون به تهران احضار شد، و مقام صدارت یافت، شخصاً از رشديه دعوت کرد تا به پایتخت رفته و اولین مدرسه جدید را در آن شهر تأسیس نماید. (ملک‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۱۴).

تأسیس مدرسه رشديه در تهران

بعد از تأسیس مدرسه دارالفنون که شرح چگونگی ایجاد آن به سال ۱۲۶۶ ه.ق. به همت شادروان میرزاتقی‌خان امیرکبیر گذشت، اولین مدرسه جدید تهران در سال ۱۳۱۵ ه.ق. در باغ کربلایی عباس‌علی افتتاح و لوح مدرسه رشديه بر سر در آن نصب شد، که مورد استقبال فراوان مردم قرار گرفت.

به فرمان امین‌الدوله چهل نفر از فرزندان ایتام به خرج دولت در کلاس‌های درس حضور یافته، و حمایت دولت از رشديه رسمیت یافت. بعد از مدتی امین‌الدوله به مدرسه آمد، و پس از بازدید و امتحانات لازم مسئولین مدرسه را مورد تفقد و عنایت قرار داد.

شش ماه از افتتاح مدرسه نگذشته بود، که امین‌الدوله از صدارت معزول و علی‌اصغرخان اتابک اعظم که از مستبدین دوره قاجار بود، به جای وی منصوب گردید (رشديه، ۱۳۶۲: ۴۱).

انجمن امنای مدرسه رشدیة تهران تحت ریاست نیرالملک کار خود را شروع کرد، که این انجمن بعدها تحت نظر وزیر علوم قرار گرفت و نام انجمن معارف یافت و هسته مرکزی تشکیلات معارف مملکت گردید.

علی‌رغم همه مخالفت‌هایی که انجمن معارف با رشديه می‌کرد، بعد از سال‌ها، تلاش‌های رشديه به بار نشست، و هنوز دو سالی از تأسیس اولین مدرسه رشديه تهران نگذشته بود، که مدارس جدید دیگری نیز کار خود را شروع کردند.

روزنامه معارف مورخ ۱۵ صفر ۱۳۱۶ ه.ق. اسامی مدارس جدیدالتأسیس را به شرح ذیل اعلام می‌نماید:

۱ - مدرسه رشديه	رمضان ۱۳۱۵ ه.ق.	به مدیریت: رشديه
۲ - مدرسه ابتداییه	محرم ۱۳۱۶ ه.ق.	تحت نظارت مخبرالسلطنه
۳ - مدرسه علمیه	محرم ۱۳۱۶ ه.ق.	مؤسس: احتشام السلطنه-رییس: مخبرالسلطنه
۴ - مدرسه شرف	ربیع‌الاول ۱۳۱۶ ه.ق.	ناظم‌الاطباء
۵ - مدرسه افتتاحیه	شعبان ۱۳۱۶ ه.ق.	مفتاح‌الملک
۶ - مدرسه مظفریه	—	حاج شیخ مهدی کاشانی
۷ - مدرسه خیریه برای ایتام	—	سردار مکرم تحت نظارت شیخ هادی
۸ - مدرسه دانش	محرم ۱۳۱۷ ه.ق.	ارفع‌الدوله
۹ - مدرسه سادات	محرم ۱۳۱۷ ه.ق.	یحیی دولت‌آبادی
۱۰ - مدرسه ادب	محرم ۱۳۱۷ ه.ق.	—

همان‌گونه که از گزارش روزنامه معارف برمی‌آید، از مدرسه سعادت بوشهر که در ذی‌قعدة ۱۳۱۷ ه.ق. به همت احمدخان دریابگی افتتاح شد، ذکری نشده است (رشديه، ۱۳۶۲: ۴۱).

سیدجمال‌الدین اسدآبادی

و اندیشه تحول در نظام آموزشی مکتب کلاسیک بوشهر:

سیدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۳۱۴-۱۲۵۴ ه.ق/۱۸۹۷-۱۸۳۸ م) از چهره‌های سیاسی-مذهبی برجسته‌ای است، که شخصیتی سیاسی-بین‌المللی داشته، و تکاپوهای گوناگون وی همواره پژوهشگران تلاشگر را به خود سرگرم داشته است. شخصیت برجسته این مجاهد اسلامی سبب گردیده تا صدها کتاب، مقاله و رساله در زمینه ابعاد گوناگون شخصیتی وی در سراسر جهان نوشته شود.

شایان نگرش است، که با تکیه بر نوشتار مرحوم محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی، که اصل مقاله در زمان حیات آن نویسنده با عنوان «سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بوشهر» در مجله «کاوه» به چاپ رسید، سید دو بار در زمان زمامداری ناصرالدین‌شاه قاجار در سال‌های ۱۲۷۲ ه.ق. و سال ۱۳۰۳ ه.ق. به بوشهر آمده، و در سفر دوم خود قریب چهار ماه در این شهر بندری اقامت کرده، و با شخصیت‌های برجسته‌ای چون ملک‌المتکلمین، فرصت‌الدوله شیرازی، میرزااحسین معتقد اهرمی و حاجی‌احمدخان پدر سدیدالسلطنه کبابی ملاقات داشته است (سدیدالسلطنه، ۱۲۹۱: ۱۰).

سید بار اول در سال ۱۲۷۲ ه.ق. یعنی زمانی که هیجده سال داشت از همدان به بوشهر آمد، که قصد سفر به هند را داشت. سید توصیه‌ای چند از همدان برای حاج‌عبدالنبی آل‌صفر از تجار معروف بوشهر داشت، که مدتی در منزل ایشان در محله کوتی اقامت کرد و سپس رهسپار هند گردید (سدیدالسلطنه، ۱۲۹۱: ۱۰).

مسافرت دیگر سید در سال ۱۳۰۳ ه.ق. بوده، چنان که فرصت‌الدوله شیرازی می‌نویسد، مسافرت ایشان از نجد به ایران و از راه بغداد و کرمانشاه بوده و مرحوم سدیدالسلطنه تاریخ ورود سید به بوشهر را ۱۶ شعبان سال ۱۳۰۳ ه.ق. ذکر کرده است (فرصت‌الدوله، ۱۳۶۲: ۱۱).

حضور سید در بوشهر هم‌زمان با حضور مرحوم ملک‌المتکلمین سخنگوی انقلاب مشروطیت بود، که از تبعید هند مراجعت کرده، و در این شهر سید را ملاقات نمود.

مرحوم ملک‌المتکلمین درباره ملاقات خود با سید می‌نویسد: «در مراجعت از هندوستان و ورود به بوشهر از نعمت غیرمنتظره‌ای که سال‌ها آرزومند آن بودم، برخوردار شدم و سید

جمال‌الدین را در آن شهر یافتیم. حاجی‌محمد رضا بهبهانی یکی از تجار روشنفکر بوشهر بود، ورودم را به سید بزرگوار اطلاع داده بود، و از دوره توقفم در بمبئی و تبعیدم از آن سامان او را مطلع کرده بود. هنوز از خستگی مسافرت دنیا نیاسوده بودم، که به زیارتش شتافتم. سید مرا چون آشنای قدیمی با محبت و گرمی پذیرفت، و از موقعیتی که در تأسیس مدرسه ایرانیان در بمبئی نصیبم شده بود، اظهار خرسندی کرد. با آن که عجله داشتیم که زودتر بوشهر را ترک کنیم، چنان مجذوب افکار عالی و سجایای پسندیده آن فرد بزرگ شدم که عزیمت به اقامت مبدل شد و مدت سه ماه از آن خرمن علم و دانش خوشه‌چین و بهره‌مند بودم و روز و شب از مجالستش استفاده می‌کردم» (ملک‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۵۱).

از نوشتار مرحوم سدیدالسلطنه کیابی چنین برمی‌آید، که به توصیه پدر ایشان احمد خان که در آن زمان حکمران بوشهر بوده، به تعلیم آموزش جدید فرزندشان مبادرت کرده، و با تعطیل مکتب قدیم و آموزش شاگردانی مانند سدیدالسلطنه، فرصت‌الدوله شیرازی و دیگران زمینه آشنایی آنها را با علوم جدید، روزنامه‌های مصری و کره جغرافیایی فراهم نموده است.

سید در دوران اقامت کوتاه خود منشأ خدمات فرهنگی ارزشمندی گردید و تحولی بنیادی در شیوه آموزشی رایج در مکاتب آن روزگار بوشهر به وجود آورد، تا آنجا که ناممکن نمی‌نماید، که او را یکی از مبدعین اندیشه نظام جدید آموزشی و بنیان‌گذاری مدرسه سعادت مظفری در حدود ۱۴ سال بعد از حضور دوم سید در بوشهر قلمداد کرد.

مرحوم سدیدالسلطنه کیابی در مقاله «سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بوشهر» اشارت می‌نماید، که سید اساس مکتب قدیم را برچید، و عذر ملا اسماعیل و شاگردان او را خواسته، ترتیبی جدید در تدریس به‌وجود آورد، آن‌گونه که سدید را از مطالعه مجلدات «ناسخ‌التواریخ» که مطالب زیادی از آن کتاب را در حافظه داشت منح، و جغرافیا و هیأت جدید و خواندن کتبی مانند سیره ناپلئون اول که در سال ۱۸۵۶ م در پاریس به چاپ رسیده بود، و سید همراه خود داشت، جایگزین مطالعه کتب قبلی نمود (سدیدالسلطنه، ۱۳۹۱: ۱۰).

مرحوم «فرصت‌الدوله شیرازی» مؤلف کتاب ارزشمند «آثار عجم» نیز که به هنگام حضور در بوشهر سیدجمال‌الدین اسدآبادی را در منزل پدر سدیدالسلطنه کبابی ملاقات کرده است، در بیان استفاده‌های علمی که از سید برده است، می‌نویسد:

«سید به واسطه سوء مزاج و علتی که داشت، تا چند ماه نتوانست از بوشهر حرکت نماید، و بنده در خدمتشان بودم. یک دوره هیئت جدید از کتب انگلیسی مرا درس می‌داد، و من به فارسی آن را می‌نوشتیم. گذشته از هیئت مطالب دیگر نیز از آن بحر محیط و حبر بسیط استفاده می‌نمودم (که بود ساقی و این باده از کجا آورد)، به کلی منقلبم ساخت، نمی‌دانم این که بود و از کجا آمد و چه گفت و چه اثری در کلامش خدای تبارک و تعالی نهاده بود» (فرصت‌الدوله، ۱۳۶۲: ۱۱).

«فرصت‌الدوله شیرازی» در کتاب «دبستان الفرصه» چگونگی ملاقات خود را با سید بزرگوار مفصلاً شرح داده است. «سیدجمال‌الدین» بعد از چند ماه توقف در بوشهر با دریافت تلگرافی از «محمدحسن خان اعتمادالدوله» وزیر انطباعات دوره ناصری به دستور شاه وقت عازم تهران شد، و چنان که «سدیدالسلطنه» می‌نویسد، پدر ایشان غلامی خسرو نام با ایشان همراه ساخت، تا در سفر در خدمت آن بزرگوار ملتزم رکاب وی باشد.

مکتب‌خانه احمدیه اولین مدرسه قدیمی بوشهر

اولین مدرسه در بوشهر مدرسه احمدیه است، که به مدیریت شخصی به نام «شیخ‌احمد» افتتاح گردید، و شخص دیگری به نام «شیخ‌مرتضی» معلمی آن را بر عهده داشت. مدرسه یا مکتب‌خانه احمدیه در سال ۱۲۵۹ ه.ق. آغاز به کار کرد. مواد درسی آن قرآن، مسائل دینی و دیوان حافظ بود. مدیر مدرسه «شیخ‌احمد» در همان سال فوت کرد، در نتیجه سرپرستی مدرسه را شیخ «محمدباقر بهبهانی» به عهده گرفت. شیخ محمدباقر تا حدودی توفیق یافت تا تغییراتی در برنامه درسی مدرسه ایجاد کرده، مواد جدید آموزشی جایگزین دروس قدیم نماید، اما به دلیل شیوه آموزشی مکتبی، دانش‌آموزان در فراگیری کتب درسی و پیشرفت‌های تحصیلی با مشکلات و معضلات اساسی گریبانگیر بودند. در اواخر سال ۱۲۹۵ ه.ق. احمدخان دریابگی به حکمرانی بوشهر و بنادر و جزایر خلیج فارس منصوب شد.

از آنجا که او مردی فرهنگ‌دوست و دوستدار توسعه علم و فرهنگ بود، برای ایجاد سیستم جدید آموزشی و تربیتی، کمک‌های مؤثر مادی و معنوی به شیخ محمدباقر نمود.

از مدرسه احمدیه، عملکرد آموزشی، و مدت دوام آن اطلاع چندی در دست نیست، از قراین چنین مستفاد می‌شود که مدرسه با مدیریت «شیخ محمدباقر بهبهانی» تا سال تأسیس مدرسه سعادت مظفری به کار خود ادامه داد (برازجانی، ۱۳۷۳: ۲۱).

مدرسه پروتستان‌های مسیحی در بوشهر

مرحوم محمدعلی خان سدیدالسلطنه در رساله «ضمیمه اللطیفه» از تأسیس مدرسه‌ای دیگر به نام «مدرسه پروتستانی در بوشهر» یاد می‌کند، که قدمت آن بیش از مدرسه سعادت بوده است. او در این باره می‌نویسد:

«فنون ادبیه نزد حقایق مآب استادالاساتید میرزاحسین معتقد^۱ آموختم. علوم غربیه و مقدمات فقه و اصول از جناب شریعت مآب قطب‌العلماء حاج‌شیخ محمد امام‌جمعه و جناب سیدجواد آموختم. در سال ۱۳۰۳ ه.ق. دانشور فرزانه و هنرمند یگانه [مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی] مهمان ما بود، صحبت آن فقیه خبیر را غنیمت دانستم، مقدمات ژغرافیا [جغرافیا] و اصول علم فیزیک از او یاد گرفتم. در سال بعد [۱۳۰۴ ه.ق.] پروتستان‌ها مدرسه‌ای در بوشهر ایجاد نموده، شش ماه در آن مدرسه به تحصیل زبان انگلیسی پرداختم. عاقبت علماء اعلام افتتاح آن مدرسه را وسوسه ملت اسلام دانسته، احکام شرع مطاع آن به توقیف آن صادر شد»^۲.

۱- مرحوم میرزاحسین معتقد اهرمی در اهرم تنگستان متولد شد. در سن ۱۲ سالگی برای تحصیل دانش به خورموج، مرکز دشتی رفت. بعد از سپری نمودن دوران تحصیل در خورموج عازم عراق عرب شد و سپس به بوشهر مراجعت کرد. در مدرسه سعادت به تدریس عربی و ادبیات فارسی مشغول شد. ایشان دارای تألیفات است که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب جواهرالزواهر و دلائل الظهور فی علائم الظهور و مجموعه اللطایف اشاره کرد. معتقد در روز دوشنبه بیستم رجب سال ۱۳۴۰ ق. دیده از جهان فرو بست.

۲- محمدعلی خان سدیدالسلطنه کیابی در ۲۳ ماه رجب سال ۱۲۹۱ در بغداد متولد شد و در ۱۱ ماه رجب ۱۳۶۲ در بندر عباس وفات یافت. عمر خود را در خدمت دولت در خلیج فارس و جزایر آن گذراند، از چهره‌های برجسته علمی، پژوهشی جنوب ایران به شمار می‌رود. از تألیفات ارزشمند وی عبارتند از: صید مروارید، اعلام‌الناس فی احوال بندرعباس، (چاپ به کوشش احمد اقتداری)، التذقیق فی سیرالطریق (شرح سفرهای مؤلف به جزایر خلیج فارس، تهران و بغداد، به کوشش احمد اقتداری) و کتب دیگر.

همان گونه که مرحوم سدیدالسلطنه کبابی می‌نویسد، مدرسه پروتستان‌ها یک سال بعد از ورود سیدجمال‌الدین اسدآبادی به بوشهر تأسیس شد (۱۳۰۴ ه.ق.)، و با توجه به این که مدرسه سعادت مظفری در سال ۱۳۱۷ ه.ق. تأسیس گردید، مدرسه پروتستان‌ها در بوشهر قریب ۱۳ سال قبل از مدرسه سعادت افتتاح گردید. براساس نامه مورخ ۲۹ حوت ۱۳۰۳ شیخ‌محمدحسین سعادت کفیل اداره معارف کل بنادر جنوب که مشتمل بر گزارش صورت مدارس دولتی حوزه مأموریت وی است، و برای وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارسال گردیده، مرحوم سعادت متذکر می‌شود که مدرسه ارامنه بوشهر در سال ۱۳۲۸ هجری تأسیس و در سال ۱۳۳۲ هجری منحل گردید.

مدرسه سعادت مظفری بوشهر

در سال ۱۳۱۷ ه.ق. احمدخان دریابگی حکمران بوشهر و بنادر خلیج فارس پس از مراجعت از بندرلنگه و رفع آشوب آن منطقه، به سائقه علاقه‌مندی مفرطی که به تربیت جوانان بوشهری داشت، از انجمن معارف که در تهران تشکیل یافته بود، تقاضای یک نفر مدیر مجرب عالم و آشنا به روش تعلیم و تربیت جدید کرد، که در پاسخ به تقاضای حکمران بوشهر، انجمن معارف به دستور وزیر علوم وقت مرحوم آقا شیخ‌محمدحسین سعادت فرزند حجت‌الاسلام آقا شیخ‌محمدعلی مجتهد کازرونی که از علماء و بزرگان آن سامان (منطقه سعدآباد بوشهر) بود، و در مدرسه افتتاحیه تهران به تدریس ادبیات اشتغال داشت، به سمت مدیری و معلمی مدرسه منصوب و طی حکمی در اوایل ذی‌قعدة ۱۳۱۷ ه.ق. ایشان را برای تأسیس مدرسه سعادت بوشهر اعزام کرد (سعادت، ۱۳۹۱: ۲۹).

مدرسه سعادت از ابتدای تأسیس در ساختمانی واقع در وسط ش «هر که خانه مرحوم حاج‌محمدحسین صفر بود، استقرار یافت. مرحوم آقای باقر بهبهانی سرپرست مدرسه «احمدیه» و مرحوم میرزاحسین معتقد اهرمی و میرزاعلی و میرزاآقا دلال شیرازی برای سرپرستی و تعلیم بیست نفر از بچه‌های فقیر اهالی دشتی و تنگستان که هزینه تحصیلی آنها نیز بر

عهدهٔ مرحوم دریابگی بود، تعیین و در آغاز به شیوهٔ آموزشی مکتب‌خانه‌ای، مواد درسی را به آنها آموزش می‌دادند (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۳).

بعد از ورود آقایان سعادت به بوشهر، معلمین جدید برای همان چند نفر دانش‌آموز به تناسب سن و معلومات آنها کلاس‌هایی در نظر گرفتند، و پس از تهیهٔ چند عدد میز و نیمکت و صندلی و تابلو سیاه، کلاس‌ها را به ترتیب به مرحلهٔ ابتدایی، کلاس اول و دوم تقسیم‌بندی کردند. با تدریس کتاب‌های جدید ابتدایی به شیوه‌ای که در مدارس رشدیهٔ تهران و دیگر مدارس جدید آن روزگار مرسوم بود، به آموزش الفبای جدید و کلمات آسان و جملات روان و مقداری حساب و نماز و نصایح و حکایات شیرین بچه‌گانه و کتاب مختصر انوار سهیلی و... و کتاب جغرافی مختصری اقدام ورزیدند. (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۴).

همان گونه که از نوشتار مرحوم «شیخ عبدالکریم سعادت» برمی‌آید، مدیریت مدرسه و آموزش کلاس اول به مرحوم شیخ‌محمدحسین سعادت، و آموزش کلاس اول به مرحوم شیخ‌محمدحسین سعادت، و آموزش درس ریاضی و ناظمی مدرسه به مرحوم شیخ‌عبدالکریم سعادت واگذار شد. امور دفتری مدرسه به عهدهٔ مرحوم آقای محمدباقر بهبهانی و فارسی به مرحوم میرزا حسین معتداهرمی و مرحلهٔ ابتدایی به میرزا علی محمول شد (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۵).

تعدادی از تجار و اعیان و اهالی بوشهر که شور ترقی در سر داشتند، و خواستار تعلیم و تعلم فرزندان خود به سبک نوین بودند، و حتی بعضی از آنها فرزندان خود را برای تحصیل به بعضی کشورهای اروپایی و هندوستان اعزام کرده بودند، هنگامی که از ورود آقایان سعادت و اقدامات جدید آموزشی آنها مطلع گردیدند، با آشنایی قبلی که نسبت به فضیلت و تقوای آن دو برادر داشتند، از تأسیس مدرسهٔ جدید استقبال نمودند، و عامهٔ مردم بوشهر و به‌ویژه قشر فقیر و کم درآمد نیز با پیروی آنان از گشایش چنین مدرسه‌ای شادمان گردیدند. اهالی بوشهر با اعتقاد و اطمینانی که به امانت و دیانت آن دو برادر داشتند، فرزندان خود را برای تحصیل به مدرسه آورده، و هنوز شش ماهی از تأسیس مدرسهٔ جدید نگذشته بود، که اولین جلسهٔ امتحانی در مدرسه منعقد شد، و آقایان علماء و تجار و اعیان و مأمورین کشوری

و لشکری دعوت شدند، تا از نزدیک از پیشرفت‌های تحصیلی فرزندان خود آشنا شوند. پیشرفت شگرف دانش‌آموزان در دروس فارسی، عربی، حساب، جغرافیا و مسائل دینی مایهٔ تعجب و حیرت حاضران در جلسه گردید، و در نتیجه متعهد شدند، که سالانه مبلغی برای کمک به مدرسه پرداخت نمایند. این تحول جدید سبب افزایش کمی دانش‌آموزان شد، به قسمی که به نوشتهٔ مرحوم شیخ عبدالکریم سعادت در پایان سال ۱۳۱۸ ه.ق، یعنی یک سال بعد از تأسیس مدرسه عدّه شاگردان به سیصد و پنجاه نفر بالغ گردید (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۵).

تعداد دانش‌آموزان روز به روز افزایش یافت، و خانه‌ای که مدرسه در آن تشکیل شده بود، با آن که متجاوز از ۱۰ اتاق داشت، گنجایش شاگردان را نداشت.

مرحوم دریابگی در اندیشهٔ ساخت عمارتی متناسب و آبرومند افتاد، و در ضلع جنوب غربی شهر مکانی مناسب در نظر گرفته، در قطعه زمینی از اراضی مرحوم ملک‌التجار که به مرحوم معین‌التجار بوشهری واگذار شده بود، و به اندازهٔ دو هکتار بود، شروع به ساخت آن کرد.

شالودهٔ ساختمان مدرسه مشتمل بر شش کلاس بزرگ، یک سالن و چهار ایوان (راهرو) با سایر اتاق‌های مورد لزوم بود، که مدرسه را به نام شاه وقت مظفرالدین شاه قاجار نام‌گذاری کردند و تلگرافی از ایشان تقاضای مساعدت مالی کردند، که در نتیجه مبلغ یک هزار تومان به مدرسه کمک مالی نمودند.

شایان نگرش است، که برای استحکام و استقرار مدرسه عده‌ای از تجار و اعیان و اهالی بوشهر به مدرسه مراجعه و متعهد می‌شوند، که تا مدت ۳ سال متوالیاً دفتر اعانهٔ مدرسه را امضاء و کمک‌های مالی خود را به مسئولان مدرسه پرداخت نمایند (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۶).

با مراجعه به اسناد و مدارک موجود در آرشیو مدرسهٔ سعادت و صورت‌جلسات موجود و گزارش برخی از نشریات زمان مانند روزنامهٔ مظفری و پرورش از سال ۱۳۱۸ ه.ق، کمک‌های مالی به مدرسه شروع و تا زمانی که مدرسهٔ سعادت دولتی شد، این کمک‌ها

ادامه داشت. در اینجا بایسته می‌نماید، که با تکیه بر گزارش روزنامه پرورش، نمونه‌هایی از کمک‌های مالی به مدرسه سعادت بوشهر ارائه نماییم.

«حکومت کل بنادر خلیج فارس ۱۰۰ تومان، اداره گمرکات بنادر ۱۰۰ تومان، مسیو دنست سیمبه مفتش گمرکات کرمانشاهان ۲۰ تومان، مسیو استانس دفتردار گمرکات بنادر ۲۰ تومان، حاج‌معین‌التجار بوشهری ۱۲۰ تومان، سدیدالسلطنه رییس تذکره بنادر ۶۰ تومان، آقامحمدشفیع تاجر کازرونی ۳۰ تومان، حاج‌محمدباقر بهبهانی ۳۰ تومان، حاج‌سیدمحمدحسن تاجر شبانکاره ۲۴ تومان» (روزنامه پرورش، ۱۳۱۹ ه.ق: ۸-۹).

همین روزنامه پرورش در گزارش دیگری به کمک‌های تجار مسیحی ساکن بوشهر به مدرسه سعادت اشارت دارد که جالب به نظر می‌رسد:

«دوشنبه ۱۷ ماه ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۸ ه.ق. برابر با ۱۳ اوت ۱۹۰۰ م آرشام ویتگران ملکم وکیل جهازات انگلو عربین استیم‌شیب کمپانی که تاجران مسیحی مقیم بوشهر می‌باشند، مبلغ ۶۵ تومان سفید [مسکوکات نقره] جهت اعانه به شاگردان سعادت کمک کرده‌اند، و ماهی دو تومان از هزینه مشارالیهما برای مدرسه برقرار شده و شش ماهه آن ۱۲ تومان است، که پیشاپیش پرداخته‌اند. انگیزه این کار کمک به معارف و انسانیت بوده، هر چند در مذهب با ما مغایرت دارند (روزنامه پرورش، ۱۳۱۹ ه.ق: ۹).

با تکیه بر صورت‌جلسات مدرسه سعادت، که صورت‌جلسات چندین ساله آن را جزء به جزء از جهت درآمد و هزینه ارائه می‌نماید، جمع‌آوری اعانه برای احداث ساختمان جدید مدرسه و دیگر هزینه‌های ضروری دانش‌آموزان حد و مرزی نداشته، و قلمروی وسیع از بوشهر تا بندرعباس و از خوزستان تا تهران را شامل می‌شد (صورت‌جلسه سال ۱۳۱۸ ق. آرشیو راکد مدرسه سعادت بوشهر).

پی‌گیری مستمر مسئولین مدرسه در زمینه تأمین هزینه‌های مدرسه که در پرتو برگزاری جلسات هفتگی عملی می‌شد، نقش بالنده‌ای در اتمام ساختمان و رفع گرفتاری‌های مالی دانش‌آموزان بی‌بضاعت این مدرسه داشته است.

یکی از خدمات ارزشمند فرهنگی مرحوم دریابییگی پیش از انفصال خدمت از مقام حکمرانی بوشهر در سال ۱۳۱۸ ه.ق. آموزش زبان انگلیسی به دانش‌آموزان مدرسه بود، که این اقدام مهم با توجه به مخالفت اشخاص مغرض و دشمنان علم و دانش به سبک جدید در بوشهر از اهمیت والایی برخوردار است. توضیح آن که بندر بوشهر که در آن روزگار معتبرترین بندر ایرانی خلیج فارس به شمار می‌رفت، و اغلب دولت‌های بزرگ خارجی در این شهر بندری دارای نمایندگی سیاسی و تجارتخانه بودند و از طرف دیگر اغلب تجار با دول اروپایی و غیراروپایی مراودات تجاری داشتند، نیاز مبرم به فراگیری زبان‌های بیگانه به‌ویژه انگلیسی و فرانسوی سبب گردید تا بارها تقاضای تعلیم زبان انگلیسی برای فرزندان خود نمایند. مسئولین مدرسه از محضر حجج اسلام و مراجع تقلید آن زمان مانند مرحوم آیت‌... آخوند خراسانی و مرحوم آیت‌... حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل و مرحوم آیت‌... سید محمد کاظم یزدی و آیت‌... شیخ عبدا... مازندرانی درباره حلیت یا حرمت فراگیری زبان انگلیسی و فرانسه برای امور تجارت استفسار کردند و آن بزرگواران بعد از مدتی در پاسخ به آن نامه جوابی به این مضمون نوشتند:

«تحصیل زبان خارجه حرمت ذاتی ندارد». در نتیجه بلافاصله آموزش زبان انگلیسی به دیگر مواد درسی افزوده شد (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۰).

مردم بوشهر بعد از این تحول جدید بیش از پیش علاقه‌مند به تحصیل فرزندانشان شدند و مرحوم دریابییگی شاهزاده اسدا... میرزا را به عنوان معلم ریاضی و زبان انگلیسی و فرانسه با حقوق ماهیانه ۱۰۰ تومان که در آن روزگار مبلغ کلانی بود، استخدام و بدین‌گونه کار تدریس خود را شروع کردند.

بعد از انفصال مرحوم احمدخان دریابییگی که تا سال ۱۳۲۵ ه.ق. (زمان محمدعلی شاه قاجار) تداوم یافت، مرحوم اسدا... میرزا به دلیل اختلال امور مالی مدرسه و عدم پرداخت حقوق ماهیانه و عدم مقاومت در برابر گرمای بوشهر پس از چند ماه استعفا داد، به تهران مراجعت کردند و بعد از او تدریس زبان انگلیسی به عهده آقای محمدعلی منشی واگذار شد.

حکمرانی نظام‌السلطنه مافی (رضاقلی‌خان) در بوشهر و اندیشه تعطیل مدرسه سعادت (محرم ۱۳۲۵ ه.ق.)

بعد از آن که مرحوم احمدخان دریابگی از حکمرانی بنادر و جزایر خلیج فارس منفصل و حکمران جدید مرحوم رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی‌جایگزین ایشان شدند، مسئولین مدرسه که از حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ حکمران قدیم برخوردار بودند، از حکمران جدید دعوت کرده تا از مدرسه سعادت و پیشرفت شاگردان دیدار نموده، و تداوم کار مدرسه را تضمین نمایند.

مرحوم نظام‌السلطنه مافی هنگامی که از مشکلات مدرسه آگاه شدند، نه تنها از تداوم کار مدرسه پشتیبانی نکردند، بلکه پیشنهاد دادند تا برای پرداخت حقوق معوقه معلمین، مدرسه را منحل کرده، مردم همچون گذشته فرزندان خود را به مکتب‌خانه‌ها بسپارند.

از آنجایی که برخی از تجار بوشهر به پیروی از پیشنهاد حکمران جدید از پرداخت اعانه خود به مدرسه خودداری ورزیدند، امور مالی مدرسه بیش از پیش دچار اختلال گردید، و خطر انحلال مدرسه کاملاً جدی به نظر می‌رسید.

در این زمان اداره امور گمرکات بنادر به مأمورین بلژیکی واگذار شده و دو تن از کارکنان معارف‌خواه گمرک بوشهر مرحوم عبدالحمیدخان متین‌السلطنه که سمت مترجمی مسیو سیمسیم بلژیکی مدیرکل گمرکات بنادر خلیج فارس را بر عهده داشتند، و مرحوم میرزایانس‌خان ارمنی معاون رئیس گمرک از اوضاع مدرسه آگاه شده، و بعد از دیداری که از مدرسه داشتند، از نزدیک از مشکلات مالی مدرسه واقف شدند، دامن همت بر میان بسته، به مساعدت مدرسه برخاستند. این دو فرد معارف‌دوست جلسه‌ای از تجار و اعیان بوشهر تشکیل داده، و در اطراف احتیاج آنان به ترقیات و تربیت فرزندان آنان به شیوه‌های جدید آموزشی سخنرانی کرده، و راهکارهای جدید برای تداوم کار مدرسه و انتظام بودجه مدرسه ارائه نمودند. به پیشنهاد مرحوم میرزایانس‌خان مقرر گردید، از واردات اجناس به گمرک بوشهر عدلی یک شاهی (یک بیستم قران) و از اجناس صادراتی عدلی نیم شاهی (یک چهارم قران) به رسم اعانه دائماً به مدرسه پرداخت شود.

آقایان تجار بوشهری که به مساعدت معاون گمرک بوشهر چشمداشت داشتند، از پیشنهاد فوق‌الذکر استقبال کرده، با کمال میل و رغبت پذیرفتند. بدین‌وسیله مدرسه از انحلال و تعطیلی نجات یافت. در همان جلسه ۷ نفر از معتمدین به عنوان هیئت وکلای مدرسه انتخاب تا هر هفته روز چهارشنبه تشکیل جلسه داده و نسبت به رتق و فتق امور مدرسه و جمع‌آوری اعانه اقدام نمایند. با تکیه بر نوشتار مرحوم شیخ عبدالکریم سعادت در اولین جلسه افراد ذیل انتخاب گردیدند:

۱- آقای حاج عبدالرسول رئیس‌التجار ۲- سید عبدالرضا طیب ۳- آقای حاج سیدمحمدرضا ۴- آقای حاج میرزاغلامحسین کازرونی ۵- آقای حاج یحیی (باباجاچی) ۶- آقای سروش‌الملک رئیس پست‌خانه بوشهر ۷- میرزایانس‌خان ارمنی (سعادت، ۱۲۹۱: ۱۳).

این افراد موظف بودند، تا خلاصه مباحثات جلسات خود را در دفتر مخصوصی ثبت نمایند، که این دفتر هم‌اکنون در آرشیو راکد مدرسه سعادت نگهداری می‌شود.

در سال دوم تأسیس هیئت وکلاء مدرسه، مؤسس خان ارمنی که یکی دیگر از افراد معارف‌خواه و دانش‌دوست ساکن بوشهر بود، و به عنوان نائب اول گمرک بوشهر به کار اشتغال داشت، به جمع هیئت وکلاء پیوسته، و در راه ترقی و تعالی مدرسه سعادت گام‌های مؤثری برداشتند.

میرزایانس‌خان^۱ قریب یک سال در بوشهر بود، که تغییر مأموریت یافت و به تهران رفت، و مؤسس خان ارمنی^۲ که در آغاز سمت نائب اولی گمرک را داشت به معاونت اول گمرک انتخاب و جانشین میرزایانس گردید و به عضویت هیئت وکلاء مدرسه درآمد. مؤسس خان در مدت اقامت خود در بوشهر که طبق اسناد، در بوشهر نیز درگذشت، خدمات ارزشمندی به مدرسه و مسؤولین و شاگردان آن نمود.

به دنبال طرحی که کارکنان گمرکات بنادر در زمینه جمع‌آوری کمک‌های مالی به مدرسه ارائه نمودند، و تجار و اعیان بوشهری نیز استقبال کردند، بودجه مدرسه روز به روز افزایش یافت، و علاوه بر یکصد و پنجاه تومان پولی که از مال‌التجاره‌های تجار ایرانی دریافت می‌شد، قریب یکصد و پنجاه تومان هم از شهریه دانش‌آموزان از طریق اعانات مردمی

جمع‌آوری و در نتیجه مدرسه در مجموع ماهی ۲۵۰ تومان درآمد داشت. از مبلغ جمع‌آوری شده، در حدود ۱۵۰ تومان بابت حقوق معلمان و خرید بعضی از لوازم‌التحریر عمومی شاگردان مانند کاغذ، مرکب، قلم و... صرف می‌شد، و بقیه پول صرف ساخت در و پنجره و بعضی لوازم ساختمان گردید. به این ترتیب مدرسه سعادت بوشهر در طریق علم و معرفت و آموزش نونهالان گام برمی‌داشت، و بعد از شش سال موفق گردید، مشعل علم و دانش را در اقصی نقاط جنوب ایران منور گرداند.

روزنامه معارف در سال ۱۳۲۵ ه.ق. که ۸ سال از گشایش مدرسه سعادت می‌گذشت، مقاله مبسوطی نوشته، ضمن بیان چگونگی تأسیس مدرسه و تحولاتی که در این مدت بر آن گذشته، به این مسأله اشاره می‌کند، که در این مدت ۸ سالی که شاگردان به تحصیل اشتغال داشتند، قریب ۵۰ نفر فارغ‌التحصیل شد، که در ادارات مهمه دولتی به کار مشغول شدند.

همچنین درباره چگونگی تکمیل ساختمان مدرسه و هزینه‌های مترتب بر آن می‌نویسد: «با وجودی که قریب ۸ هزار تومان خرج بنای آن شده، هنوز از حیث سفیدکاری و در ناقص و ناتمام است» (روزنامه معارف، ۱۳۲۵ ق: ۱۰).

در سال ۱۳۲۵ ه.ق. روزنامه معارف تعداد شاگردان مدرسه را ۲۱۰ نفر اعلام نموده، و کارکنان مدرسه هشت نفر معلم و دو نفر معاون و یک نفر مشاق خط و دو نفر خادم. ریاست مدرسه با مرحوم شیخ محمدحسین سعادت بوده و حقوق معلمین و مخارج مدرسه نیز ماهی یکصد و هشتاد الی یکصد و هشتاد و پنج تومان برآورد شده است (روزنامه معارف، ۱۳۲۵ ق: ۱۰).

با تکیه بر اسناد موجود در سال ششم از گشایش مدرسه سعادت، مسئولین مدرسه به درخواست اهالی بنادر مدرسه‌ای در بندرعباس به مدیریت آقا شیخ عبدالعلی آل‌عصفور، مدرسه‌ای در بندر لنگه موسوم به جاوید به مدیریت آقا محمد آل‌شریف که هر دو از تربیت‌شدگان مدرسه سعادت بودند، مدرسه‌ای در محمره (خرمشهر کنونی) موسوم به خزعلیه به مدیریت میرزا حاجی آقا (آقای خسرو مؤدب) که بعدها مدیر مدرسه مسجد سلیمان شد، و

مدرسه‌ای در اهواز به مدیریت آقا محمدباقر بهبهانی تأسیس نمودند. چند سال بعد هم مدرسه‌ای در بحرین برای تحصیل شاگردان ایرانی به همت مسئولین مدرسه سعادت تأسیس شد.

اهمیت مدرسه سعادت بوشهر در تقدّم و تأخر وجودی آن نیست، یعنی بر خلاف این بینش غیرتاریخی که مدرسه سعادت دومین مدرسه جدید ایران است، با تکیه بر نوشتار مرحوم میرزا حسن رشیدی و جدول تأسیس مدارس جدید در ایران که در صفحات قبل ارائه گردید، اگر چه بر اساس آن جدول مدرسه سعادت نهمین مدرسه جدید می‌باشد؛ اما بایستی اذعان نمود، که نقش بالنده این مدرسه در گسترش علم و دانش در اقصی نقاط نواحی جنوب ایران بسیار حیاتی بوده، و اگر مبالغه نشود، در ردیف فعالیت‌های علمی - آموزشی مدرسه دارالفنون بوده است.

روزنامه‌های مظفری، معارف و پرورش و صورت‌جلسات هفتگی مدرسه سعادت در زمینه چگونگی تأسیس مدارس جدید در شهرها و ایالات ایران و برخی کشورهای خارجی گزارش‌های خواندنی دارند، که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

روزنامه مظفری مورخ ۲۴ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۳ ه.ق. می‌نویسد:

«جناب آقای محمدباقر مدیر مدرسه بوشهر حسب‌الاحضار حضرت سالار معظم حکمران عربستان [خوزستان] برای تمشیت و انجام کارهای ابتدایی مدرسه مبارکه «محمدیه» تازه ایجاد شوشتر، اوایل ماه عازم شوشتر شدند که کارهای مدرسه آنجا را روبه‌راه نموده و مراجعت نمایند. جناب آقا شیخ‌محمدحسین معلم اول مدرسه سعادت بوشهر که از اجله اهل فضل و کمال اند غده‌ای که از چندی قبل تاکنون ایشان را مبتلا داشته به اجازه اطباء حاذق عازم بمبئی شدند که در مریض‌خانه‌های آنجا شاید ان‌شاء... معالجه شوند. در غیاب جنابان مدیر و معلم امورات مدرسه به معلمین محترم خاصه جناب شیخ عبدالکریم و جناب شیخ محمدعلی [شیخ‌محمدعلی آل‌عصفور امام جمعه بوشهر می‌باشد؛ زیرا ایشان در مدرسه سعادت معلم بوده است]. محول بوده و خللی در نظم مدرسه رخ نداد» (روزنامه مظفری: ۱۶).

همان‌گونه که از مفاد صورت‌جلسه مورخ ذیحجه ۱۳۲۵ برمی‌آید، جناب آقا ملاحاجی آقا از سفر منصرف شده و به جای ایشان جناب آقا سیدفخرالدین تعیین گردیده تا به بندرعباس رفته و اقدام به تشکیل مدرسه جدید در آن بندر نماید.

بعد از مدتی به دلیل رفع مشکلات مالی مدرسه و گسترش فضای آموزشی آن، تعداد شاگردان رو به افزایش گذاشته، آن‌گونه که روزنامه مظفری در شماره چهارم سال دهم از انتشار خود تعداد شاگردان مدرسه را ۲۵۰ نفر دانش‌آموز ذکر کرده و در سال‌های واپسین‌تر بر این تعداد نیز افزوده شد (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۵).

فرمان محمدعلی شاه قاجار و تحصیل فرزندان خوانین دشتی و دشتستان در مدرسه سعادت

در سال ۱۳۲۵ ه.ق. که مرحوم احمدخان دریاییگی به فرمان محمدعلی‌شاه برای دو سال دیگر به حکمرانی بنادر تعیین گردید، خوانین دشتی و دشتستان که از پیشرفت‌های علمی - فرهنگی دانش‌آموزان مدرسه سعادت آگاه شده بودند، درصدد برآمدند، که فرزندان خود را برای تحصیل به بوشهر گسیل دارند، تا در آن مدرسه به تحصیل مشغول شوند؛ اما از ترس این که مبادا فرمانروا و کارگزاران دولت در بوشهر به بهانه عدم پرداخت عواید دولتی فرزندان آنها را به گروگان گیرند، از این اقدام مهم تربیتی استنکاف می‌ورزیدند.

هیئت مدیره مدرسه سعادت برای چاره‌جویی این معضل، نامه‌ای به وزارت علوم و معارف وقت ارسال و از آنها تقاضا نموده، تا با صدور حکمی عمومی از جانب شاه وقت (محمدعلی‌شاه) تسهیلات لازم برای تحصیل فرزندان خوانین فراهم نمایند. محمدعلی شاه قاجار طی حکمی به نام حکمران وقت بوشهر مرحوم احمدخان دریاییگی را موظف کرده، تا از گروگان‌گیری فرزندان خوانین ممانعت به عمل آورده، و زمینه تحصیل فرزندان آنها را فراهم نماید.^۳

پیرو صدور این حکم تعدادی از فرزندان خوانین به مدرسه سعادت بوشهر آمده، در این مدرسه به تحصیل مشغول شدند، که مرحوم شیخ عبدالکریم سعادت در نوشتار خود از حضور مرحوم باقرخان تنگستانی مدیر روزنامه ندای جنوب از تنگستان و دو نفر از فرزندان

احمدخان انگالی از بلوک انگالی و یکی از فرزندان شیخ حسین خان چاهکوتاهی در مدرسه یاد می‌نماید (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۷).

تحولات جنگ جهانی اول و دولتی شدن مدرسه سعادت

مرحوم شیخ عبدالکریم سعادت در اواخر سال ۱۳۲۹ ه.ق. با تصویب هیئت مدیره مدرسه و به درخواست هیئت علمی نجف اشرف به طور موقت برای سرپرستی و مدیریت مدارس علوی نجف اشرف و مدرسه حسینی کربلا و مدرسه اخوت کاظمین رهسپار آن دیار شده، و برای مدت ۹ سال در آن دیار به خدمات فرهنگی ارزشمندی به دانش‌آموختگان آن مدارس مبادرت ورزید.

مرحوم شیخ محمدحسین سعادت نیز با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۳ ه.ق. به دلیل تهدیداتی که از جانب قوای انگلیسی مستقر در بوشهر متوجه ایشان و دیگر وطن‌پرستان ایرانی بود، عازم شیراز گردید، و در آنجا در مدارس رحمت و شفاعیه به تدریس اقدام نمودند. ایشان به دلیل خدمات ارزشمندی که در زمینه اشاعه علم و فرهنگ در بوشهر و فارس نموده بودند، در دوره چهارم مجلس شورای ملی از طرف مردم لارستان به نمایندگی مجلس انتخاب شدند. در پایان دوره نمایندگی خود مجدداً برای مدت دو سال به ریاست اداره فرهنگ بنادر جنوب منصوب شده، و بعد از دو سال به شیراز مراجعت کرده، و بقیه عمر خود را در راه اشاعه علم و معرفت در دبستان شاهپور شیراز سپری نمودند.

بعد از مراجعت مرحوم شیخ محمدحسین سعادت به شیراز امور مدرسه سعادت بوشهر برای مدتی تحت سرپرستی مرحوم آقا سیدمحمدجواد کازرونی منشی و مترجم بانک شاهی و جناب آقا میرزاحمود پیشداد (تعاون) که هر دو از اعضای هیئت مدیره جدید مدرسه سعادت بودند، اداره می‌شد، تا آن که مرحوم شیخ محمدتقی فیلسوف مدیریت و سرپرستی مدرسه سعادت بوشهر را به عهده گرفت.

در دوره‌ای که مرحوم فیلسوف مدیریت و سرپرستی مدرسه را بر عهده داشت، تحوّل شگرف در کلیه زمینه‌های علمی، آموزشی و تربیتی مدرسه واقع شد، و همان‌گونه که جناب

سیدمحمدحسن نبوی از دانش‌آموختگان پیشکسوت این مدرسه می‌گوید، دوران مدیریت مرحوم فیلسوف نقطه عطفی در تاریخ گشایش این مدرسه بود.

مرحوم فیلسوف در فاصله سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۰ شمسی از طرف هیئت وکلای مدرسه اداره مدرسه سعادت را بر عهده گرفتند و با تکیه بر اسناد موجود تا آن زمان مدرسه هنوز دولتی نشده بود و از خزانه عمومی ارتزاق می‌کرد. مرحوم فیلسوف که تحصیل کرده سوربن پاریس بود، و علوم قدیم و جدید را هر دو می‌دانستند، اندکی بعد از شروع کار در مدرسه اقدام به گشایش کارگاهی نمودند، که در این کارگاه واکس‌سازی، صابون‌سازی و حرفه‌های فنی دیگری به دانش‌آموزان تعلیم داده می‌شد و موزه‌ای طبیعی نیز راه‌اندازی کرده، که در نوع خود کم‌نظیر بود. سرانجام بعد از سال‌ها خدمت در مدرسه سعادت بوشهر مرحوم فیلسوف در سال ۱۳۱۰ ش. به دلیل حسادت‌ها و حساسیت‌ها از بوشهر به شیراز رفته و در مدارس آن سازمان به تدریس پرداخت.

مدرسه سعادت نیز که تا سال ۱۳۱۳ شمسی در اوج ترقی بوده، بعد از این که از عواید خزانه عمومی محروم شده و زیر نظر دولت قرار گرفت، رفته‌رفته سیر نزولی طی کرده و با افول مناظرات علمی، و ترقیات فرهنگی همچون دیگر مدارس دولتی تا امروز به حیات فرهنگی خود ادامه داد.

پی‌نوشت‌ها

۱- میرزا یانس‌خان ارمنی، در زمان اداره گمرک بوشهر توسط مأمورین بلژیکی، مقام معاونت گمرکات بنادر جنوب را عهده‌دار بود. مدتی بعد تغییر مأموریت یافت و از آن‌جایی که جوانی معارف‌خواه و وطن‌دوست بود، در راه استقرار مشروطیت تلاش نمود و در دوره دوم مجلس شورای ملی به عنوان نماینده ارامنه ایران انتخاب گردید و خدمات شایانی کرد. میرزایانسن سرانجام در سال ۱۹۳۵ م/ ۱۳۱۴ ش در تهران در گذشت.

۲- میرزا موسس‌خان، یکی از شخصیت‌های مسیحی ساکن بوشهر، که در راه توسعه فرهنگ، به خصوص در میان ارامنه ساکن بوشهر، تلاش‌های زیادی نمود. از جمله اقدامات وی تأسیس یک باب مدرسه برای دختران و پسران مسیحی در بوشهر بود. این مدرسه در سال ۱۹۰۷ م/ ۱۳۲۵ ق احداث شد و دارای ۲۰ نفر شاگرد دختر و پسر بود. مؤسس خان در سال ۱۳۱۱ ش در بوشهر درگذشت.

۳- سواد فرمان محمدعلی شاه قاجار به احمدخان دریابیگی که در مدرسه سعادت نگهداری می‌شود و با خطی زیبا و مذهب نوشته شده چنین است:

«جناب جلالت مآب اجل امیرالامراء دریابیگی حکمران بوشهر و بنادر فارس به مراحم و الطاف خاطر معدلت مظاهر اقدس همایون ملوکانه مفتخر و مباهی بوده بدانند از قراری که توسط وزارت علوم و معارف به عرض حضور باهرالنور همایون ما رسیده مدرسه‌ای برای تحصیل و تربیت اطفال در بوشهر احداث گردیده که اطفال مبتدی در آنجا در تکمیل و تحصیل علوم مشغول شوند و از قرار اظهاری که نموده بودند، سابقاً در بوشهر معمول بوده هر وقت میان خوانین بلوکات و خوانین دیگر مشاجره و اختلافاتی واقع می‌شده حکومت مرکزی از کسان خوانین و ملاکین اطفالشان را گرو می‌گرفتند به این ملاحظه، اندیشه دارند اطفال خود را در مدرسه بگذارند. اگر چه این مسأله نهایت بی‌اعتدالی بوده و چنانچه سابقاً معمول بوده البته باید کلیه در تمام آن حدود عموماً و در بوشهر برای اطفال محصل مدرسه مزبوره خصوصاً متروک و مرتفع شود و موجب این ملفوفه، فرمان مبارک به آن جناب اکیداً امر و مقرر می‌فرماییم قدغن نمایند دیگر کسی مرتکب این کار شنیع نشده و بعدها پیرامون این امر نگردیده و نیز از هر حیث نگاهداری این مدرسه بوشهر به امتحانات لازمه و مساعدت مخصوصه به عمل آورده که در کمال آزادی و امنیت اهالی آنجا اولادشان را به مدرسه بوشهر برای تحصیل بفرستند.»

منابع

- ۱- رشديه، شمس‌الدین (۱۳۶۲)، *سوانح عمر*، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، تهران.
- ۲- سدیدالسلطنه کبابی (۱۲۹۱)، *محمدعلی‌خان*، سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بوشهر، مجله کاوه، سال دوم، شماره ۹.
- ۳- سعادت، عبدالکریم (۱۲۹۱)، «*مختصری از تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر*»، مجله کاوه، س ۲، ش ۹.
- ۴- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۰)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، انتشارات علمی، چاپ دوم، تهران.
- ۵- صدیق، عیسی (۱۳۵۲)، *دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران*، شرکت سهامی طبع کتاب، چاپ سیزدهم، تهران.
- ۶- *صورت‌جلسات مدرسه سعادت بوشهر* (۱۳۱۸)، آرشیو مدرسه سعادت.
- ۷- فرصت‌الدوله شیرازی (۱۳۶۲)، محمدنصیر، «*نارالمجم*»، به کوشش علی دهباشی، انتشارات هنر.
- ۸- لیبب‌الملک شیرازی (۱۳۲۷ ه.ق)، *روزنامه مظفری*، چاپ بوشهر، سال دهم.
- ۹- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۲)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، انتشارات علمی چاپ دوم، تهران.
- ۱۰- نوری‌زاده بوشهری (۱۳۲۵)، اسماعیل، *سرزمین کنونی ایران و خلیج فارس*، چاپخانه روزنامه امید، تهران، چاپ اول.
- ۱۱- *روزنامه معارف*، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۲۵.
- ۱۲- مجله سیراف (۱۳۷۳)، «*تاریخ و فرهنگ و معارف در بندر بوشهر*» حسن برازجانی، ش ۳.
- ۱۳- *روزنامه پرورش* (۱۳۱۹)، س ۱، شماره ۱۰، سال اول.